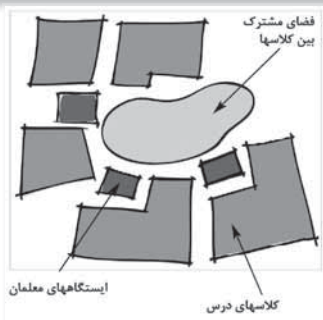
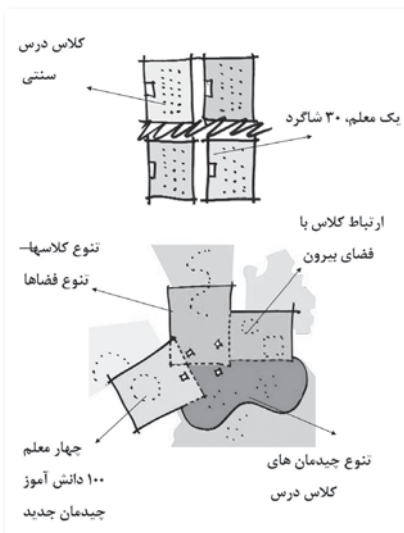


شکل ۳



شکل ۲

هنر چیدمان هادر کلاس درس

# میلان راحت یادگیری

۷. آیا معلمان خلاق که مخاطب مادر این مقاله‌ها هستند، هر بار موظفانند این چیدمان‌ها را تجربه کنند و آن را در کلاس خود پیاده نمایند؟ آیا این چیدمان‌ها مخصوص کلاس درس است؟

## راه‌های حل مشکلات

خب بیایید از معلم شروع کنیم و به جای این که پاسخ این پرسش‌ها را بدهیم، بکشیم مشکل‌های این چیدمان‌ها را برای خودمان حل کنیم. اولین مشکل این است که جایگاه معلم و میز و نیمکت او را کجا تعیین کنیم؟ این طور که از این چیدمان‌ها برمی آید، معلم نمی‌تواند حوزه مشخصی را مانند مدل کلاس‌های سنتی قبل داشته باشد و باید سعی کند با بچه‌ها در این چیدمان‌ها ادغام شود. این یعنی با بچه‌ها بنشینند و در تراز آن‌ها قرار بگیرد؛ گاهی کنار فلان گروه بنشینند و گاهی به طرف گروه بعدی بروند و دائم مانند عضوی شناور در کلاس عمل نمایند. اما این سؤال پیش می‌آید که وسایلش را، فرضاً کتاب‌هایش، ورقه‌های بچه‌ها و وسایل کمک آموزشی را در کجا قرار دهد؟ خوب برای این کار نیز می‌توانیم راه‌حل مناسبی داشته باشیم. مثلاً به ازای دو یا سه کلاس، ایستگاه‌های معلم (فضاهای مشترک) درست کنیم که به این کلاس‌ها بی‌واسطه ارتباط داشته باشند؛ ضمن این که فضاهای تعریف شده و جدایی برای استراحت یا نشستن معلم یا گذاشتن وسایل همان درس را داشته باشد (شکل ۲). خوب مشکل معلم تا حدودی حل شد. حال پرسش بعدی این است که تکلیف تخته سیاه یا سفید کلاس چه می‌شود؟

## تخته سیاه

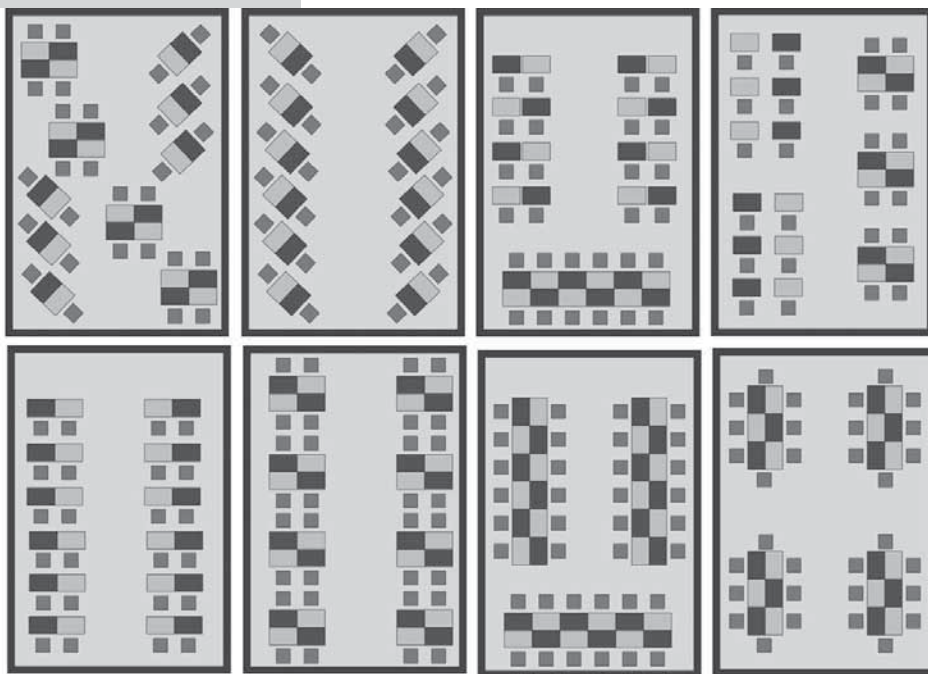
در کلاس‌هایی که هنوز چیدمان معلم محوری دارند، می‌توان تخته سیاه را بر دیوار نصب کرد. ولی در چیدمان‌های

در شماره پیش، چندین آرایش میلان کلاس درس را نشان دادیم که اولین آن تأکید بسیار زیادی روی معلم محوری داشت و چیدمان‌های آخر بر روی دانش آموز محوری تمرکز کرده بودند و عملاً معلم نقش هدایت‌کننده در کلاس را عهده‌دار بود. برای مرور کلی چیدمان‌ها می‌توانید به شکل ۱ نگاهی گذرا بیندازید. در آخر مقاله نیز این چیدمان‌ها برای همه ما پرسش‌هایی را به وجود آورد که مایلیم در این مقاله بیشتر راجع به آن صحبت کنیم و درک کنیم که چه طور می‌شود از این چیدمان‌ها در کلاس‌های مدرسه بدون هیچ مشکل یا اتلاف وقتی استفاده نمود.

## بار دیگر پرسش‌ها را مرور می‌کنیم:

۱. چرا تخته سیاه در این چیدمان‌ها گم شده است؟ کدام دیوار برای نصب تخته سیاه مناسب است؟ بچه‌ها باید به کدام سمت نگاه کنند؟ قسمت جلو این فضا کجاست؟ آیا این فضا بدون استفاده است؟
۲. میز معلم کجاست؟ او دقیقاً در کجا قرار می‌گیرد؟ کجا بنشیند؟ و کجا بایستد؟ چرا میز و نیمکت معلم در این چیدمان‌ها رها شده‌اند؟
۳. آیا معلم هر بار باید برای روش‌های تدریس متفاوت خود در کلاس درس این چیدمان‌های گوناگون را ایجاد نماید و کلاس خود را اداره کند؟ آیا تغییر دادن میلان کلاس موجب اتلاف وقت فراوان نمی‌شود؟
۴. انواع هوش (نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر) و توانمندی‌های دانش‌آموزان در این چیدمان‌ها چه جایگاهی دارند؟
۵. دانش‌آموزان با توانایی‌های خاص (معلولان جسمی و نیمه‌بینایان و نیمه‌شنوایان) چه جایگاهی در این چیدمان‌ها دارند؟ آیا می‌شود آن‌ها را در کلاس‌های مدرسه‌های عادی به جای مدرسه‌های استثنایی جای داد؟
۶. بچه‌های ضعیف‌تر نسبت به بچه‌های قوی‌تر در این آرایش‌ها چگونه دیده می‌شوند و چگونه معلم می‌تواند از این چیدمان‌ها به بهترین روش استفاده نماید؟





شکل ۱

با آرایش گروهی، می‌توان از تخته‌های سیار استفاده کرد؛ یعنی به واسطه تغییر چیدمان کلاس، می‌توان تخته کلاس را حرکت داد. با این کار، گویی هم تخته را در هر جایی داریم و هم آزادی عمل بیشتری به کارگروهی دانش‌آموزان و معلمان می‌دهیم. حال برای هدر نرفتن وقت معلم و این که لازم نباشد هر بار چیدمان کلاسش را مطابق با روش تدریسش عوض کند، تصمیم گرفته‌ایم برخی از کلاس‌ها را یک جور چیدمان کنیم و برخی را به گونه‌ای دیگر. با این تنوع چیدمان در کلاس‌های مختلف، گویی میلمان‌های متفاوتی را در آن واحد داریم که با هماهنگی معلمان می‌توان از هر کلاس در هر زنگ درسی استفاده خاصی کرد. مثلاً معلمی برای فلان درس، از یک چیدمان استفاده می‌کند و برای درس بعدی، چیدمان دیگری را انتخاب می‌کند. با برنامه‌ریزی بین درس‌ها و معلمان می‌توان از کل کلاس‌ها استفاده‌های مطلوبی کرد.

### فضای دیده شدن

در این تنوع چیدمان و فضا، دانش‌آموزان بیشتر از همه آشکار هستند و وقتی آن‌ها بیشتر دیده شوند یعنی توانایی‌هایشان بیشتر دیده می‌شود و این یعنی قادریم بفهمیم کدام یک از دانش‌آموزان ما چه توانایی‌های بالقوه یا بالفعلی دارد (نظریه انواع هوش گاردنر). وقتی تنوع چیدمان داشته باشیم، پس حتماً قادر خواهیم بود تنوع جنس میلمان نیز داشته باشیم. مثلاً به جای دو یا سه نیمکت از کلاس، دو سه میلمان نرم در بخشی از کلاس قرار دهیم. این کار باعث می‌شود، بچه‌هایی که توانایی‌های ویژه یا مشکل‌های جسمی دارند از این میلمان‌ها استفاده نمایند. حتی ممکن است برخی از دانش‌آموزان که شاید تعداد آن‌ها در یک مدرسه کمتر از ده نفر باشد، نیاز به معلم همراه داشته باشند. مانند دانش‌آموزان نیمه‌شنوا و نیمه‌بینا که مایلند در مدرسه‌های عادی درس بخوانند اما به دلیل یکسان بودن میلمان و یک شکل بودن کلاس‌ها به سختی در این آرایش قرار می‌گیرند و نه آن‌ها در کلاس درس راحت هستند و نه معلمان و بچه‌های عادی.

### قطار یادگیری

به همین دلیل با تنوع چیدمان و تنوع جنس میلمان مشکل ادغام بچه‌های با مشکلات ویژه و دانش‌آموزان عادی نیز حل می‌شود. حال یک نگاه کلی به کلاس درس بیندازیم. ما در این کلاس میز معلم را حذف کردیم. تخته سیاه را در صورت لزوم سیار کردیم. چیدمان‌ها را مدام عوض کردیم و هر کلاس سعی کرد بتواند به جای هشت مدل تغییر در چیدمان یکی یا دو مدل داشته باشد تا بتوانیم تمام این چیدمان‌ها را در یک زمان دارا باشیم. تنوع فضایی را برای بچه‌ها ایجاد کردیم. بچه‌ها گاهی می‌توانند فضاهای گوناگون را برای درس‌های گوناگون یا برای روش تدریس‌های متنوع تجربه کنند. بیشتر بچه‌ها را توانستیم ببینیم و مقوله «یادگیری» در این کلاس‌ها بیشتر دیده می‌شود. ایستگاه‌های کاری معلم را اضافه کردیم و عملاً

یا ناخواسته باعث شدیم که سه یا چهار کلاس با هم کار کنند و در جریان کارهای یکدیگر قرار بگیرند. این باعث شد بخشی از راهروها که جلوی درب این کلاس‌ها بود، فعال‌تر شوند و به فضاهای پاتوقی مناسبی برای زمان‌های تفریح تبدیل شوند. پس کلاس با فرم قبلی چه می‌شود؟ آیا چیزی هم از آن باقی مانده است؟ واقعیت مطلب این است که اگر ما بخواهیم با روش‌های نوین تدریس کار کنیم، همه آن‌ها را در قالب مدرسه‌های فعلی (یک راهروی طولانی با کلاس‌هایی که در دو طرف آن به صورت قطاری کنار هم چیده شده‌اند) نمی‌توانیم تجربه کنیم. این قالب تنها مناسب روش معلم محوری است. چیزی که از کلاس درس سنتی باقی می‌ماند، همان چهار دیواری است که در برخی موارد مجبور خواهیم شد این دیوارها را نیز جابه‌جا کنیم.

### بت‌شکنی

دوباره این پرسش را تکرار می‌کنم: اگر ما این همه تغییر را در یک کلاس لحاظ کنیم، آیا لزومی به حفظ کلاس درس با شکل سنتی داریم؟ آیا نباید برای تغییرات اساسی، ساختارهای رنگ و رو رفته را کنار زده و به مدل‌های جدیدی برسیم؟ وقتی کلاس درس سنتی را کنار می‌گذاریم، در حقیقت آن چه را که از محیط فیزیکی یک «مدرسه» در ذهن خود تجسم کرده بودیم، شکسته‌ایم. آن چیزی که باعث می‌شد فکر کنیم، تمامی یادگیری‌ها، درس دادن‌ها و آموزش در یک مدرسه در کلاس درس انجام می‌شود. وقتی شما این بت را در ذهن خود شکستید، می‌توانید برخی از این چیدمان‌ها را که به سختی در کلاس درس جای می‌گرفت در جاهای دیگر مدرسه استفاده کنید؛ (شکل ۳) یعنی فضاهای جدید آموزشی به غیر از کلاس درس، کتابخانه، آزمایشگاه و... تعریف کنید. یعنی معلم خلاق ما توانمندتر از گذشته می‌شود و می‌تواند از تمامی فضاهای یک مدرسه در جهت آموزش بهره‌بردار. منتظر شماره بعدی ما باشید.

ما باید چیدمانی داشته باشیم که بتوانیم همه دانش‌آموزان را با توانایی‌های متفاوت ببینیم